

سلام کودکانه

نقاشی ماما

امروز وقتی من و داداش پویا از مدرسه آمدیم، ماما گفت: «می‌خوام یه هدیه بهتون بدم» بعد نقاشی‌اش را به ما داد. ماما، خودش و بابا و من و داداش پویا را کشیده بود. گفت: «شما دو تا مدرسه بودین. بابا هم سرکار بود. من دلم براتون تنگ شده بود، برای همین این نقاشی رو کشیدم» من و داداش پویا از نقاشی ماما خیلی خوشمان آمد و آن را به دیوار اتاق زدیم.

ارسال نقاشی، قصه،
خاطره، عکس و...

۰۹۳۵۱۳۹۱۴۵۷۶
۲۰۰۰۹۹۹



دنیای حیوانات

عقرب



شعر

مورچه سر به هوا

روی لب بابا جونم
یه مورچه نرمش می‌کنه
میره بالا، میاد پایین
همون جا گردش می‌کنه

دنبال دونه هست ولی
چیزی ندیده تا حالا
گم کرده راه لونشو
این مورچه سر به هوا

بابامو قلقلک میده
فکر کرده روی چمنه
نمی‌دونه جایی که هست
ریش بابا جون منه

شاعر: مریم زارعی

است. عقرب‌ها می‌توانند نیش‌شان را از دم خود به سمت دشمنان‌شان بپاشند. خون عقرب سمی و آبی یا سبز رنگ است و غذای آن‌ها مورچه، کرم خاکی، پروانه یا قورباغه است. آن‌ها می‌توانند بین دو تا ۱۰ سال زنده بمانند. حتی می‌توانند یک سال بدون غذا هم زنده بمانند و به اکسیژن کمی هم نیاز دارند. عقرب‌ها به خاطر خاصیت پوست‌شان توی تاریکی می‌درخشند.

مرجان ساعدی



تصویر سازی ها : سعید مرادی

شهر قصه

شیطونک‌های دندان

مینا، هر وقت به خانه ماما بزرگ می‌رفت، از توی قندان مادر بزرگ یک آب نبات رنگی برمی‌داشت و با چای می‌خورد. اما هفته قبل که به خاطر مریضی داداشی، قرار شد تمام هفته را پیش مادر بزرگش بماند، اشتباه بزرگی کرد. او تمام هفته هر وقت می‌دید مادر بزرگ حواسش نیست، از داخل قندان چند آب نبات برمی‌داشت و می‌خورد. آخر هفته که ماما به دنبالش آمده بود، مینا حس کرد حالش خوب نیست. او دستش را روی لُپش گذاشت و گریه کرد و همان‌طور که گریه می‌کرد، پیش مامانش رفت و گفت: «مامان! دندونم»

مامان و مینا به مطب آقای دندان پزشک رفتند. آقای دندان پزشک، با چراغ توی دهان مینا را نگاه کرد و گفت: «وای! وای! این‌جا چه خبره؟ چقدر شیطونکای دندان!»



مینا پرسید: «شیطونکای دندان؟» آقای دکتر گفت: «شیطونکای دندان، وقتی میان تودهن بچه‌ها، به دندونا می‌چسبن و روی اونا خونه می‌سازن! خونه‌های زرد و قرمز و آبی... مثل آب نباتای رنگی و خوشمزه که اولش خیلی خوبن...»

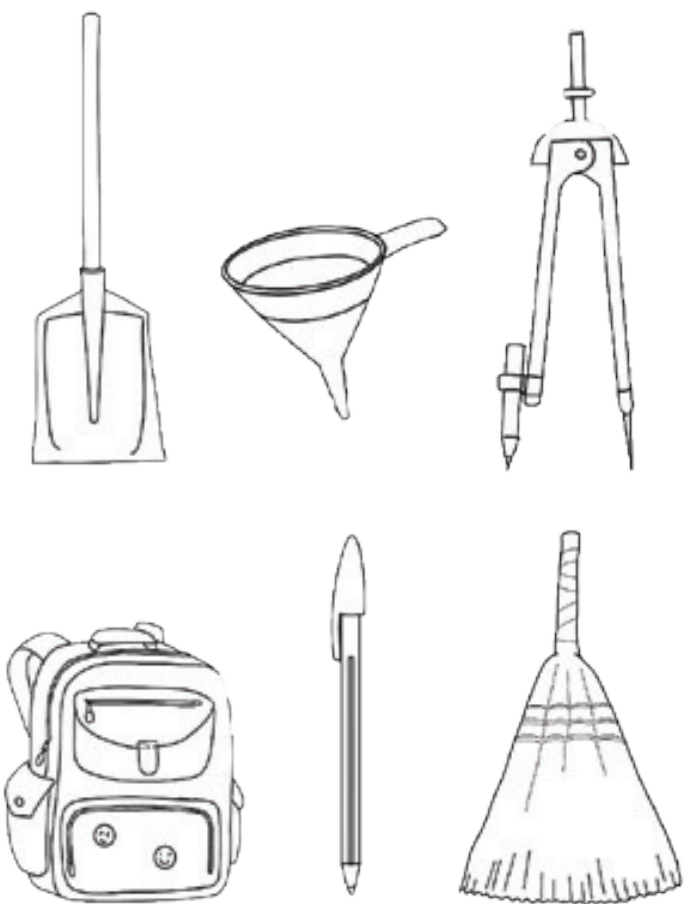
مینا گفت: «آخ! آخ! من اون آب نباتای رنگی رو خوردم! همه شون رو!» آقای دکتر، یک خمیر نرم و سفید درست کرد و گفت: «حالا با این خمیر، خونه‌های شیطونکای دندان رو پر می‌کنم، تا دیگه نتونن اذیت کنن!» مینا دهانش را باز کرد تا آقای دکتر، کارش را انجام دهد. آقای دکتر کارش را تمام کرد و گفت: «آب نباتای رنگی، حتما خوشمزه هستن! اما تو باید حواست باشه هم در خوردن آب نبات زیاده روی نکنی و هم حتما بعد از خوردن آب نبات دندونات رو مسواک بزنی.»

نویسنده: سمیه سیدیان

سرگرمی و رنگ آمیزی

کلمات هم قافیه

دوستان خوبم به کلماتی مثل فیل و بیل یا باران و گلدان که حروف آخر آن‌ها مانند هم است، هم قافیه می‌گویند. به تصاویر زیر نگاه کنید. کلمات هم‌قافیه را پیدا و به هم وصل کنید و بعد تصاویر را رنگ آمیزی کنید.



هنرمند کوچولو

یک شاخه گل

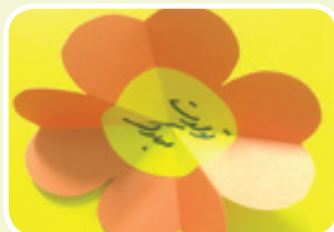
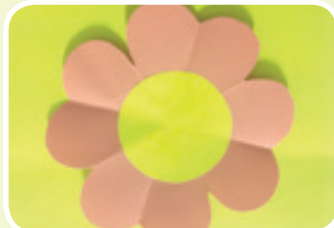
چی لازم داریم؟

مقوا، مداد، قیچی، چسب،
نی یا چوب بستنی

چگونه درست کنیم؟

یک تکه مقوا را انتخاب کنید و آن را از وسط تا بزنید. حالا یک بار دیگر هم باید آن را تا بزنید تا یک کاغذ چهارلایه داشته باشید. بعد شکل یک برگ گل روی آن بکشید و با قیچی برش بزنید. یک تکه مقوا با رنگ دیگر را مثل دایره ببرید و وسط گل بچسبانید. می‌توانید روی آن هر چه دوست دارید، بنویسید یا بکشید. بعد آن را مثل شکل تا بزنید و برایش ساقه و برگ درست کنید. وقتی گل باز می‌شود، نوشته توی آن خوانده می‌شود. می‌توانید این کاردستی را به دوستان تان هدیه بدهید.

منصوره گلی



شما فرستادید

هوای دلپذیر



شعر و نقاشی ارسالی از دوست خوب «فرقه»

عارفه وفادار، کلاس سوم

دوست دارم بارون بیاد
زندگیمون شاد بشه

گل‌ها همه باز بشه
بادکنک‌ها باد بشه

برن بالا، اون بالاها
جای ابرهای زیبا

ابرها همه دون دون بشن
بریزن پایین روی زمین

زمین بشه خیس خیس
دل‌ها بشه دلپذیر

